

# وین دایر

ترجمه امیر کرمانی

# ۹ اصل معنوی

- شما می‌توانید همه چیز را به سوی خود جذب کنید
- خود برترتان را بیابید
- چگونه به خود آگاهی و شهود برسیم؟



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۹	اصل اول - آگاهی از خویشتن برترتان
۴۵	اصل دوم - اعتماد به خود، اعتماد به خردی است که شما را خلق کرده است.
۷۱	اصل سوم - شما ارگانیزی در یک محیط نیستید: ارگانیزم محیطید.
۹۹	اصل چهارم - می‌توانید هر چه را که بخواهید به سوی خود جذب کنید.
۱۲۳	اصل پنجم - به شایستگی خود برای وصول احترام بگذارید.
۱۵۳	اصل ششم - وصول به منبع الهی با عشق مطلق.
۱۸۱	اصل هفتم - تعمق در ژرفای آفرینش.
۲۰۷	اصل هشتم - گسستن صبورانه از بازدهی.
۲۳۱	اصل نهم - با حق‌شناسی و سخاوت، نسبت به مکاشفات خود واکنش نشان دهید.
۲۶۳	خلاصه‌یی از اصول نه‌گانه.

#### مقدمه

«شما در وجود خود نیرویی دارید که قادرید هر آن‌چه را که خواستار آن باشید جذب نمایید.» این موضوع اصلی کتاب «نه اصل معنوی» است که با هیچ یک از کتاب‌هایی که قبلاً نوشته‌ام شباهتی ندارد. انتخاب و نگارش مطالبی دربارهٔ این مکاشفه بیش‌تر برای این بود که (ناخواسته) به سوی آن کشیده شدم، نه برداشتن گامی در ادامهٔ کتاب‌هایی که در طول دو دهه گذشته به رشتهٔ تحریر درآورده بودم. به نظر می‌رسد نیرویی که من را به سوی این موضوع کشانده نمی‌گذاشت که مطلب را نادیده بگیرم.

هنگامی که شروع به نوشتن کردم، احساس نوعی فروتنی همراه با حسّی حاکی از نخوت در مورد کاری که به عهده گرفته‌ام به من دست داد. این احساسات سؤالاتی از این دست را مطرح ساختند: من کی هستم که می‌خواهم دربارهٔ شأن شهود و مکاشفه چیزی بنویسم؟ در وهله اول من دربارهٔ مکاشفه چه می‌دانم؟ آیا این قلمرو زیبندهٔ مخلوقات ملکوتی نیست؟ چه چیز به من اختیار می‌دهد که با دیگران دربارهٔ قابلیت حرف بزنم که منحصر به خدایان است؟ این سؤالات در ذهنم می‌چرخید؛ بیش از آن از ناحیهٔ خود تردیدی برانگیخته شده بودم که علاقه‌مند به اعتراف باشم.

موقعی که کار نگارش این اصول روحی را آغاز کردم، هیچ تصویری از این‌که چه خواهم گفت و آن را چه‌گونه می‌خواهم بگویم و در بیان آن با چه تعداد اصول سر و کار دارم، نداشتم. و سپس کاری را انجام دادم که در آخرین کتاب خود به نام «خود روحانی تو» خوانندگانم را به انجام آن تشویق کرده بودم. همه شک و تردیدها را از ذهنم بیرون کردم و گوش جان سپردم به نداهای درونی که بی‌وقفه به من می‌گفت، تو می‌توانی به رهنمودی که نیاز داری برسی، تو در هدفی که در پیش داری تنها نیستی. به عبارت دیگر تسلیم این نداها شدم و به اعماق تفکرات خود فرو غلتیدم و به خود اجازه دادم از همه ترس‌ها و تردیدها رها شوم و صاف و ساده از خود اعتماد نشان دهم.

بخشی از وجودم می‌دانست که توانایی شهود در جهان مادی از جهان نامریی روح برای همه ما ممکن است. به این توانایی باور داشتم زیرا سخنان همه معلمان بزرگ روحانی ما را تشویق می‌کند که خود را به صورت موجودی نامحدود مشاهده کنیم و بدانیم که حتی حقیرترین افراد میان ما در هر لحظه‌یی از عمر خود به نیروی ملکوتی خداوند دسترسی دارند، اما نوشتن این مطالب در یک کتاب و تصریح اصول روحی‌یی که هر کس برای نیل به این توانایی و مهارت در آن باید بیاموزد، امری هراس‌انگیز به نظر می‌رسید.

در همین زمان که من، حتی بی‌آن‌که دقیقاً دید روشنی درباره ماهیت این اصول یا ترتیب ارایه آن داشته باشم، نوشتن آنها را مورد توجه قرار داده بودم، پیامی از معلمی به نام گورو جی<sup>۱</sup>، که این کتاب

تقدیم به او شده است، دریافت کردم. در این پیام شری گوروجی به من توصیه کرد که به یک نوار ضبط صوت درباره قدرت مکاشفه (که برایم فرستاده بود) گوش کنم و آنچه را که می‌آموزم، اولاً در همه عمر به آن عمل نمایم و دیگر آن‌که این فن مکاشفه را به جهان بشناسانم.

او در پیامش توضیح داده بود که قدرت مکاشفه توسط فرزندان و آموزگاران بزرگی در مشرق زمین شناخته شده، هزاران سال به آن عمل گردیده و قرون متمادی نیز در خفای بیش‌تری ادامه داشته است.

با علاقه بسیار نوار را گوش کردم و همان‌طور که در این کتاب آمده، تمرین اصول مکاشفه را در جلسه‌های روزانه‌ام آغاز نمودم و تقریباً بلافاصله نتایج شگفت‌انگیز آن را تجربه کردم. سپس به تدریج مباحثی از این نتایج را در سخنرانی‌هایم گنجاندم و به آموزش این اصول روحی که شخصاً تمرین آنها را شروع کرده بودم، پرداختم، البته بی آن‌که در جهت مرتب کردن یا سامان دادن به آن اقدامی به عمل آورده باشم. چند ماه بعد یک نوار کاست تحت عنوان «تفکر درونی برای مکاشفه» تهیه کردم و هزاران نفر استفاده از این اصول را آغاز نمودند و به تمرین فنون تفکر شهودی پرداختند. نتایج حاصله مغز را داغ می‌کرد. آنهایی که این فنون را به کار می‌برند و به جلسه کامل فرو می‌روند از سراسر جهان برایم نامه نوشته‌اند.

جلسه کامل که در این کتاب شرح داده شده، مکاشفه‌های حیرت‌انگیزی را در زندگی بسیاری از مردم به وجود آورده است. من

داستان‌هایی از پیشرفت‌های شغلی، بچه‌دار شدن تحت شرایطی غیر ممکن و فروش خانه‌یی که سال‌ها مشتری نداشت، شنیده‌ام و داستان‌های دیگری از نیک‌بختی‌ها و درمان امراض لاعلاج که تا مرز اعجاز پیش رفته است.

می‌دانم که این اصول کار هستند، قدرت اعجاز آنها نه منبعث از اعتقادات بلکه بر پایه معرفت و آگاهی است. می‌دانم که ما دارای قدرتی الهی هستیم که از آغاز به دلیل محدودیت‌مان دست نخورده مانده است. می‌دانم که شما چنان‌چه این نه اصل را با جدیت و پشتکار انجام دهید، می‌توانید به تدریج و برای خودتان از عهده شهود هر اندیشه‌یی که بر ذهن‌تان خطور می‌نماید برآید.

من واقفم که ورود به قلمرو مشاهده مثل این است که در سراشیب کوره راهی ناشناخته گام برمی‌دارید. هنگامی که تصمیم می‌گیرید در این خطه ناشناخته قدم گذارید ظاهراً مطمئن نیستند که چه حوادثی بر سر راه‌تان قرار دارد. از این رو از شما می‌خواهم که از ایجاد به هم ریختگی و بی‌نظمی در این کوره راه اجتناب کنید.

سعی کنید این اصول را مطالعه نمایید و به تدریج در زندگی روزانه به کار برید، بی‌آن‌که در مورد آنها بر اساس آنچه که شما را مشروط و مقید کرده که به خود به عنوان موجودی که «فقط یک انسان» و بنابراین محدود هستید قضاوت کنید. پیش‌پنداشت‌ها تنها به آلوده و فاسد کردن نیروی بالقوه شما جهت بروز آرزوهای قلبی‌تان خدمت می‌کند. آنچه آرزو می‌کنید از اهمیت بالایی برخوردار است، گرچه هرگز پیش از آن به این آرزو و آگاهی‌های روحی‌تان بالاتر به مثابه